

## مثال ۱: گفتگوی سقراط با منون سردار یونانی در رابطه با ثروت و فضیلت

منون: سقراط، من معتقدم برای با «فضیلت» بودن باید بسیار ثروتمند بود. فقر و نداری بدون استثناء برخاسته از ضعف شخصی است نه حاصل تصادف و پیشامد سرنوشت.

**سقراط:** و با این ثروت چه چیزهایی بدست می آوری که تو را خشنود کند؟

منون: ثروت زیاد می توان تمام چیزهای نیک بدست آورد. چه در زندگی باشد. سقراط: منظورت زر و مناصب دولتی شهرت بدست آید؟ یا معتقدی که چیزها از هر که بدست آوریم، نیز از آن قبیل اند؟

منون: سیم زر هم جزء آن هستند.

**سقراط:**.... فکر نمی لازم است دست کم به آن تعریف این نکته را هم اضافه کنی که «سیم زری با انصاف و درستی بدست آید؟ یا معتقدی که آن چیزها را از هر راه که بدست آوریم، دارای «فضیلت» می شویم؟

منون: البته ثروت سیم باید راه درست بدست آید.

سقراط: پس می توانیم بگوییم که بدست آوردن سیم و زر باید با انصاف و خویشتن داری نوع دوستی و دیگر اجزای «فضیلت» همراه باشند وگرنه بدست آوردن ثروت و سیم و زر به خودی خود، با این که خوشایند است ولی «فضیلت» نیست؟

منون: بله همینطور است

سقراط: پس اگر کسی از بدست آوردن ثروت، در جایی که بدست آوردن آن با ظلم و بی انصافی و قانون شکنی همراه است، خود داری کند، این چشم پوشی از ثروتی که توأم با بی انصافی و بی قانونی است، یا تلاش نکردن برای ثروت نامشروع نیز می تواند نوعی «فضیلت» باشد؟

منون: این گونه به نظر می رسد.

سقراط: پس از گفته هایت چنین معلوم می شود که صرفاً بدست آوردن یا بدست نیاوردن چیزهایی که نیک می شماری، نه از «فضیلت» آدمی میبکاهد و نه بر آن می افزاید. فقط هر چه با انصاف و نوع دوستی همراه است، موافق «فضیلت» است و آنچه با ظلم و بی انصافی همراه است بدی و رذیلت است؟

منون: گمان میکنم راستی چنین باشد.

فایل نمونه است.

برای تهیه کامل به

این لینک (+)

مراجعه کنید.